

بِسْمِ تَعَالَى

گابنامہ سخن نادى

# قوتها و ضعفهای دولت سیزدهم در کنترل بازار و مهار قیمتها

اردیبهشت ۱۴۰۱

## چکیده

۱. بهتر است سیاست‌گذاری در امر بازار بجای صرف انرژی و سرمایه‌های کشور در حوزه نظارت و کنترل بازار، برنامه‌ها و سیاست‌هایی را دنبال نماید تا مؤلفه‌های کلان اقتصادی را در جهت آرامش بازار به مرحله اجرا درآورند و گرنه با گسترش یا جابجایی نظارت و بازرسی عملاً مشکلی از اصل موضوعات مبتلابه بازار حل نخواهد شد.

۲. اقدامات دولت سیزدهم برای کنترل بازار عبارت‌اند از: عرضه مناسب کالاها در بازار و جلوگیری از به وجود آمدن انحصار و رانت، فعال‌تر کردن نظام خودکنترلی بازار، اصلاح تدریجی نظام پرداخت یارانه و فعال کردن اتحادیه‌ها و اصناف برای تولید و عرضه مداوم.

۳. کندی در روند تغییر دولت، تأثیرپذیری از وضعیت روابط خارجی، ضعف در کنترل نظام پولی و مالی، قاچاق گسترده، افزایش جهانی قیمت برخی کالاها به دلیل جنگ روسیه با اوکراین، تورم انتظاری، شرایط دشوار به دست گرفتن اداره کشور توسط دولت (مشکلات از قبل موجود) و... از مهمترین دلایل افزایش قیمت‌ها در هفته‌های اخیر هستند.

۴. تلاش دولت بر جایگزینی نظارت از شکل سنتی به مدرن و سامانه‌ای کردن آنها متمرکز است و در برخی از حوزه‌ها موفقیت‌های خوبی به دست آورده، اما ضعف در نظام پولی و مالی، بانکداری، اطلاعات و آمار جامع، مبارز با قاچاق کالا و از این دست موارد باعث شده است عملکرد دولت در کنترل بازار تحت‌الشعاع قرار بگیرد.

۵. از آنجا که بسیاری از اقدامات دولت در آینده میان مدت به نتیجه می‌رسد دعوت مردم به آرامش در این مقطع زمانی بسیار کمک کننده است. اقدام مهمی که باید در این زمینه انجام بگیرد، تبیین وضع موجود و منطقی کردن انتظارات از دولت و بیان تغییر روندهای اقتصادی نسبت به دولت گذشته است.

## قوت‌ها و ضعف‌های دولت سیزدهم

### در کنترل بازار و مهار قیمت‌ها

#### مقدمه

بررسی تحولات میدانی بازار کالا و خدمات نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران تنظیم بازار تلاش دارند برنامه‌های کنترلی و نظارتی بیشتری را برای مهار گرانی‌های موجود در بازار اجرا نمایند. سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا بازار تنظیم نمی‌شود؟ راهکار حل مشکل چیست؟ آیا تخلفات اقتصادی بویژه گران‌فروشی در بازار بیشتر شده است؟ آیا جرائم و مجازات‌ها بازدارندگی لازم را ندارند؟ آیا نظارت‌ها کارایی لازم را ندارند؟ و دهها پرسش دیگر... نهادهای نظارتی به منظور نشان دادن عملکرد خود بصورت مستمر گزارش اقدامات خود را ارائه می‌کنند که بررسی این گزارش‌ها نشان می‌دهد روند بازرسی‌ها، تخلف‌یابی و تشکیل پرونده‌ها عموماً روند صعودی دارد، ولی چرا با این وجود نتایج اقدامات دولت در کنترل بازار برای مردم محسوس نیست؟ به عبارتی، چرا علی‌رغم تشدید نظارت‌ها، روند گرانی‌ها همچنان ادامه دارد؟

#### افزایش نظارت‌ها یا کنترل مؤلفه‌های کلان اقتصادی؟

بررسی اجمالی محتوای گزارش‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تخلف بازار گران‌فروشی است و بعد از آن، تخلفات دیگر مانند احتکار و امتناع از عرضه کالا قرار دارند. گران‌فروشی در بازار عموماً می‌تواند ناشی از دو عامل اصلی باشد: اول افزایش قیمت کالا و خدمات ناشی از افزایش هزینه‌های موثر بر تولید کالا یا واردات از سوی تولیدکننده یا واردکننده به نحوی که فرایند قیمت بازار نسبت به قیمت متعارف یا مصوب بیشتر باشد. دوم افزایش فزاینده تقاضا برای کالا و محدودیت عرضه آن که موضوع می‌تواند ناشی از کاهش موجودی کالا، احتکار و امتناع باشد که در این صورت گران‌فروشی و تخلفات دیگر می‌تواند اتفاق بیفتد. بنابراین، دور باطلی از تخلف در اثر نوسانات بازار اتفاق می‌افتد. این فرایند را می‌توان از دلایل اصلی در نایابی و گرانی بازار مسکن، خودرو، لوازم خانگی و سایر کالاهای عموماً سرمایه‌ای و حتی غیره سرمایه‌ای در کشور دانست.

نگاهی به موضوع نشان می‌دهد که اصولاً تخلف‌ها و مشکلات موجود در بازار زائیده علل و عوامل دیگر است که در واقع برآیندی است از تأثیر عوامل و مؤلفه‌های کلان دیگر بر اقتصاد بازار.

به قول معروف بازار ویتترین سیاست‌های اقتصادی دولت‌هاست و هرگونه تغییر یا تحول در سیاست‌های کلان اقتصادی تأثیر آنی بر شرایط بازار خواهد داشت و این موضوع هیچگونه استثنائی هم ندارد. لذا راهکار حل معضل را نه در بطن بازار که در مؤلفه دیگر مبتلابه بازار می‌توان یافت از قبیل برنامه‌ریزی برای ارتقای امنیت و ثبات اقتصادی، تلاش در جهت ثبات و افزایش قدرت پول ملی، جلوگیری از افزایش نقدینگی، حذف نظام یارانه‌ای غیرهدفمند و رانتیر، جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه نظام بانکی و ساماندهی سیاست‌های پولی و بانکی، هدایت سرمایه‌های مردم از دلالی به سمت فعالیت‌های مولد و توجه بایسته به توسعه تجارت داخلی و خارجی و استفاده از آن به عنوان مزیت اول ژئوپلیتیک ایران، توسعه صنایع مزیت‌آفرین مثل صنعت گردشگری به عنوان دومین مزیت بالقوه اقتصاد ایران و تعیین تکلیف سیاست‌های کلان این حوزه، اصلاح قوانین و مقررات اقتصادی کشور براساس سیاست‌های غیرانحصاری و سایر مؤلفه‌های دیگر.

تجارب گذشته دولت‌های قبل و بعد از انقلاب و عدم موفقیت آنها در ساماندهی مناسب بازار از طریق استفاده ابزاری از نظام بازرسی و نظارت بر بازار به خوبی نشان داده است که چگونه بارها دولت‌ها به منظور جلب نظر جامعه و یا عدم پذیرش هزینه اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران این راه میان‌بر و غیرمؤثر را آزمودند و در بلندمدت آواری بر ویرانه‌های اقتصادی کشور افزودند.

به عنوان نمونه، سیاست‌های مبارزه با گران‌فروشی طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ بخوبی می‌تواند نتایج یک تجربه ناموفق در کنترل بازدارنده و همه‌جانبه توسعه بازرسی و نظارت بر بازار را در مقابل دیدگان همگان قرار دهد. در آن سال‌ها به سبب تورم مبتلابه اقتصاد ایران، دولت سیاست همه‌جانبه‌ای را در کنترل و مدیریت بازار به مرحله اجرا گذارد. کلیه فرآیندهای تنظیم بازار از تولید تا مصرف تحت اختیار دولت قرار گرفت و شبکه گسترده‌ای از گروه‌های بازرسی بدون کوچک‌ترین اغماضی متخلفان اقتصادی را در هر پست و مقامی مورد تعقیب قرار دادند. در همین راستا، نهادهای حمایتی و نظارتی مانند انجمن حمایت از مصرف‌کننده و نهادهای بازرسی و نظارت اتاق اصناف، سازمان حمایت از مصرف‌کننده، مرکز بررسی قیمت‌ها و همچنین ساختارهای دولتی برای تهیه و تامین کالا با محوریت دولت مانند شرکت بازرگانی دولتی ایران و حتی فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای به منظور عرضه مستقیم کالا راه‌اندازی شد. هر یک از این تشکیلات مکلف بودند کالا را با

کمترین سود ممکن و در کوتاه‌ترین زمان به مصرف‌کننده برسانند و نارسایی‌های بازار را مرتفع نمایند. در این مسیر برنامه مبارزه با گران‌فروشی با بسیج مردمی، دانشجویان، بانوان و دانش‌آموزان اجرایی گردید. در اثر این بازرسی‌ها بسیاری از کسبه و بازاریان با عناوین تخلفات مختلف زندانی، تبعید و یا با جریمه‌های سنگین مواجه شدند و بازرسان زیادی از دانشجویان و دانش‌آموزان و بانوان تحت عنوان ستادهای مردمی مبارزه با گران‌فروشان و بصورت داوطلبانه به مبارزه با گران‌فروشی پرداختند و دولت توانست در بالاترین ضریب کنترلی، نظارتی همه جانبه بر بازار اعمال کند. با همه این اقدامات روند تورمی بازار طی دو سال حدود سه درصد کاهش یافت، ولی آثار و نتایج اینگونه سیاست‌ها در بلندمدت اقتصاد ایران را از مسیر توسعه و تکامل بازداشت و سنگ‌بنایی شد که تاکنون اقتصاد کشور از دامان آن رهایی پیدا نکرده است.

دولتی‌سازی اقتصاد کشور از همان زمان آغاز شد و نظام یارانه غیرهدفمند نیز از همین زمان تاکنون که نیم‌قرن از آن گذشته است، اقتصاد ایران را هدف قرار داده است. نظام رانتیر استمرار یافت و بخش‌های غیردولتی و خصوصی نتوانستند مجالی برای عرضه‌اندام پیدا کنند و البته در سال‌های بعد، روند تورم با شتاب بسیار بیشتری استمرار یافت و مشکلات را لاینحل باقی گذاشت. تکرار تجارب تلخ گذشته توسط دولت‌های بعدی عملاً این امکان را از جامعه بزرگ اقتصادی کشور سلب نمود که آنها بتوانند هم‌پای تحولات جهانی خود را تعالی بخشند. اگرچه برخی اقدامات در بعد از انقلاب موجب رونق بخش‌هایی از اقتصاد غیردولتی و مولد گردید ولی عملاً این حجم از تحولات نسبت به ساختار بزرگ، غیرمولد و تا دندان دولتی ایران خیلی قابلیت برای خودنمایی ندارد.

با عنایت به مباحث گفته شده باید به این موضوع توجه نمود که بهتر است دولت و نهادهای کلان‌تر سیاست‌گذار در امر بازار بجای صرف انرژی و سرمایه‌های کشور در حوزه نظارت و کنترل بازار برنامه‌ها و سیاست‌هایی را دنبال نمایند تا مؤلفه‌های کلان اقتصادی را در جهت آرامش بازار به مرحله اجرا درآورند و گرنه با گسترش یا جابجایی نظارت و بازرسی عملاً مشکلی از اصل موضوعات مبتلابه بازار حل نخواهد شد. البته اصلاح ساختار و شرح وظایف و اختیارات نهادهای نظارتی یک ضرورت حتمی و قطعی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود، ولی این سیاست باید بعد

از بازسازی و ایجاد ساختارهای جدید و متناسب با آنها شکل گیرد و گرنه استمرار روندهای گذشته هرگز نمی‌تواند موجب حل معضلات این حوزه گردد.

امروزه کارکرد نهادهای نظارتی بجای توسعه بازرسی و کنترل فیزیکی بازار به مثابه یک دستگاه ردیاب خودکار عمل می‌کند و با رصد حوزه‌های مختلف اقتصادی تلاش دارد کوچک‌ترین نوسانات و مشکلات بازار تولید تا مصرف را بر مبنای شیوه‌های علمی کنترل و ارزیابی نموده و نتایج اقدامات خود را به عنوان راهکارهای سیاست‌های آتی در اختیار متولیان امر قرار دهد. در این فرایندها یک نظام تنبیهی سخت برای افزایش ایمنی بازار پیش‌بینی شده که البته بسیار محدود و مؤثر است. در هیچ کجای دنیا سه میلیون بازرسی از واحدهای صنفی در سال انجام نمی‌شود و چند صد هزار پرونده تخلف خرد و کلان تشکیل نمی‌گردد. حجم دریافت چندصد هزار گزارش مردمی نشانی از مشکلات جدی اقتصاد کشور است نه تخلف گسترده کسبه و بازاریان.

عموماً در کشورهای توسعه‌یافته وظایف نهادهای نظارتی مشخص و محدود ولی ارزش و کارکردهای آن بسیار مهم و حیاتی تلقی شود. این ساختارها با دایره‌ای از اختیارات بزرگ امکان سرکشی و کنترل همه فرآیندهای بازار از سلامت کیفی و کمی کالا و رصد و پایش عرضه نامناسب و عدم رعایت حقوق مصرف‌کننده را مدنظر قرار می‌دهند، ولی عملاً حضور آنها در بازار توسط هیچ کس احساس نمی‌شود. با این حال، تأثیرگذاری آنها نیز بر هیچ کس پوشیده نیست و همگان بر ضرورت حضور آنها اذعان دارند. اما این نظارت چگونه صورت می‌گیرد؟

### **تنظیم بازار به وسیله مدیریت نهادهای تخصصی محصولات**

سابقه دستورالعمل‌های بازار به ابتدای دهه ۲۰ میلادی برمی‌گردد؛ زمانی که آمریکا درگیر رکود شده بود و بخش کشاورزی در اقتصاد این کشور نسبت به سایر بخش‌ها آسیب‌پذیری بیشتری داشت و حجم زیادی از میوه‌ها روانه بازار و موجب کاهش شدید قیمت و در نتیجه زیان باغداران شده بود. از طرف دیگر، تنوع خاک و اقلیم و... باعث می‌شد تا محصولات از نظر اندازه، رنگ، مزه و کمیت باهم تفاوت زیادی داشته باشند. این تنوع در محصولات، نوسانات زیادی در قیمت محصولات داشت که متعاقباً روی اقتصاد تولیدکننده و مصرف‌کننده اثر سوء گذاشت. پایین آمدن و نوسانات قیمت و تولید زیاد محصولات باغی باعث شد تا دولت برای تنظیم بازار و همچنین کنترل

کمیت و کیفیت محصولات تولیدی به این عرصه ورود کند. سازمان خدمات بازرگانی ذیل وزارت کشاورزی آمریکا برای حل این مشکل به تولیدکنندگان هر محصول در کشور کمک کرد تا مشکل‌هایی را برای کمک به فروش محصولات خود ایجاد نمایند. این مشکل‌ها منابع اطلاعاتی و مالی خود را تحت نظارت وزارت کشاورزی به اشتراک می‌گذاشتند؛ به این ترتیب گروهی از تولیدکنندگان یک محصول خاص (به عنوان مثال پرتقال) در یک محدوده مشخص جغرافیایی (مثلاً در جنوب کالیفرنیا)، یک تشکل تخصصی تشکیل می‌دهند که تحت نظارت وزارت کشاورزی (ایالتی یا فدرال) قرار داشت.

این تشکل‌ها می‌توانستند کارهایی انجام دهند که از تک‌تک کشاورزان ساخته نبود؛ تشکل‌ها باید محصول خود را از جهت کمیت، کیفیت و همچنین دستورالعمل دولت درجه‌بندی نمایند. هزینه این فعالیت‌ها نیز از محل صندوق مشترک این کشاورزان تأمین می‌شد. پس از حصول استانداردهای لازم، محصول به مراکز خرده‌فروشی، مراکز مصرف و یا کارخانه‌های فراوری تحویل می‌شد. درجات مختلف کیفیت محصولات تعیین‌کننده مقصد نهایی مصرف این محصولات بود. هدف در شروع این طرح، برقراری قیمت‌های عادلانه‌تر و منظم‌تری در سراسر کشور بود. بعد از اینکه این هدف محقق شد اهداف دیگری همچون استاندارد، یکپارچگی در بسته‌بندی، توسعه بازار و همچنین نظم‌بخشی به جریان کالاها در فصل‌های مختلف به آن اضافه شد.

این برنامه‌ها با مدیریت دولت در نواحی جغرافیایی خاص اجرا شد و کشاورزان عضو کمیته‌ها در آن منطقه از قوانین آن پیروی می‌کردند. دولت نیز در این برنامه نقش «حسابرسی و نظارت» بر قوانین را بر عهده داشت. در نهایت پس از فروش محصولات به خریداران (خرده‌فروش‌ها و یا کارخانه‌های فراوری)، سهم باغداران با نظارت وزارت کشاورزی تقسیم می‌شد. البته هیچ اجباری برای ورود کشاورزان به این کمیته‌ها وجود نداشت، ولی از آنجاکه دولت حمایت‌های خود را برای حل مشکلات مشترک این کشاورزان فقط در قالب این تشکل‌ها اعطاء می‌کرد، کشاورزان ترغیب به مشارکت می‌شدند. به این ترتیب، بهبود مدیریت بازارها با همراه کردن تولیدکنندگان اصلی یک منطقه در محصولی خاص میسر می‌شد.

## خدمات اخبار و اطلاعات بازار

یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تجارت، فراهم کردن اطلاعات صحیح و به‌موقع از بازار است. به عنوان نمونه سازمان خدمات بازرگانی وزارت کشاورزی آمریکا سالهاست که اطلاعات موثق بازار از قبیل نوع، میزان، زمان و قیمت محصولات کشاورزی مانند میوه‌ها و انواع سبزی را به‌طور مداوم گزارش می‌کند. این خدمات به کمک نیروهای انسانی آموزش‌دیده در سراسر این کشور و بازارهای جهانی جمع‌آوری شده و برای انتشار آزاد در اختیار تارنمای این سازمان متولی بازار ذیل وزارت کشاورزی آمریکا قرار می‌گیرد. (برای مثال در پرتال اخبار بازار این سازمان کارفرما می‌تواند با انتخاب گزینه مربوطه از آخرین اطلاعات در زمینه محموله‌های بارگیری شده، قیمت عمده و خرده‌فروشی، نوع و رقم محصول و سایر موارد باخبر شده و آن را در هر فرمتی که مایل باشد بارگیری نماید.) این‌گونه خدمات توسط سازمان خدمات بازرگانی ذیل وزارت کشاورزی آمریکا انجام می‌شود و هیچ‌گونه هزینه‌ای برای کاربران به خصوص تولیدکنندگان در بر ندارد. البته ایجاد زیرساخت اطلاعاتی لازمه هر اقدامی در این موضوع است؛ یعنی نه تنها دولت اطلاعات کافی در مورد میزان کالاهای موجود در بازار را دارد، تولیدکننده یا واردکننده نیز دسترسی خوبی به اطلاعات مورد نیاز دارد تا تصمیم لازم در حوزه تولید یا واردات را بگیرد.

## اقدامات دولت سیزدهم برای کنترل بازار

دولت سیزدهم به درستی دریافته است که کنترل بازار به روش سنتی کارآیی ندارد و نمی‌تواند بازار را کنترل کند و از طرف دیگر ایجاد زیرساخت‌های کنترلی زمان‌بر است و لذا بدون اینکه بخش کنترل به شکل سنتی را متوقف کند، از روش‌های جدید به ویژه سامانه‌های اطلاعاتی برای کنترل بازار استفاده کرده است. در زیر به چند نمونه از اقدامات کنترلی دولت اشاره می‌شود:

### ۱- عرضه مناسب کالاها در بازار و جلوگیری از به وجود آمدن انحصار و رانت: در این راستا

وزارت‌خانه‌های مختلف برنامه‌های متنوعی را ارائه داده‌اند. از جمله بهترین برنامه‌ها توسط وزارت جهاد کشاورزی اجرا شد. این وزارت‌خانه بلافاصله با ایجاد سامانه «بازرگام» و عرضه کالا به قیمت مناسب باعث کنترل قیمت بسیاری از کالاها در بازار شد. عرضه گوشت مرغ، تخم مرغ و بسیاری از کالاهای اساسی دیگر در این سامانه، باعث ثبات قیمت در بازار این محصولات شد. قیمت مرغ در



مرداد ۱۴۰۰ تا کیلویی ۴۰ هزار تومان هم رسیده بود، ولی با سیاستگذاری صحیح در این زمینه امروز این کالای پرمصرف با قیمت ۳۰ هزار تومان به مصرف‌کننده عرضه می‌شود. قیمت تخم‌مرغ و گوشت قرمز هم چنین روندی را طی کرده‌اند. از ویژگی‌های خوب این سامانه رضایت همزمان تولیدکننده و مصرف‌کننده است. عرضه سیمان، فولاد، محصولات پتروشیمی و... در بورس کالا نیز باعث شد تا عرضه مداوم و با ثبات این محصولات صورت بگیرد و در نتیجه قیمت آنها به تعادل برسد. برنامه دولت برای کنترل قیمت خودرو و مسکن هم در این راستا ارزیابی می‌شود.

**۲- فعال تر کردن نظام خودکنترلی بازار:** بازار را می‌توان اصلی‌ترین نهاد اقتصاد آزاد نامید و برای کنترل آن هم باید از ابزارها و فرآیندهای متناسب با آن استفاده کرد. از جمله مهمترین ابزارهای کنترلی در نظام بازار، نظام خودکنترلی یا کنترل بازار توسط مصرف‌کنندگان است. درج قیمت تولیدکننده یا واردکننده گامی مهم برای تقویت سیستم خودکنترلی بازار است. به تدریج مردم کالاها را صرفاً با قیمت منطقی نسبت به قیمت تولیدکننده خرید می‌کنند و بخشی از رانتی که در این زمینه وجود داشته و دارد از بین می‌رود. گزارش‌های اولیه در نتایج اجرای این طرح حاکی از کاهش قیمت در تعداد قابل توجهی از محصولات از جمله آب معدنی و نوشیدنی‌های گازدار بوده است.

**۳- اصلاح تدریجی نظام پرداخت یارانه:** یکی از نگرانی‌های جدی مردم نسبت به عملکرد دولت سیزدهم، جایگزینی ارز ترجیحی است. ارز ۴۲۰۰ تومانی اگرچه در کوتاه مدت باعث حفظ قیمت‌ها می‌شود اما در دراز مدت افزایش قیمت‌ها را در پی دارد. در حال حاضر بخش قابل توجهی از ارز ترجیحی که از محل بودجه کشور پرداخت می‌شود، به طرق گوناگون از کشور خارج می‌شود. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که نان مورد نیاز مردم تا شعاع ۶۰ کیلومتری مرزهای ایران توسط ایران تأمین می‌شود (از طریق قاچاق). مقادیر زیادی از سوخت که با یارانه ۴۰۰ درصدی در اختیار مردم قرار می‌گیرد نیز قاچاق می‌شود و... با توجه به اینکه هزینه این امور از بودجه کشور است، این موضوع باعث افزایش کسری بودجه شده که این خود خلق و یا افزایش نقدینگی را به دنبال دارد. افزایش نقدینگی نیز لاجرم به تورم می‌انجامد. بنابراین، زمانی که یارانه به صورت غیرهدفمند به کالا داده می‌شود علاوه بر زیان‌های شدیدی که به تولید وارد می‌کند، باعث افزایش تورم نیز می‌شود. اراده دولت برای اصلاح ارز ترجیحی گامی مهم برای مهار تورم در دراز مدت محسوب می‌شود.

#### ۴- فعال کردن اتحادیه‌ها و اصناف برای تولید و عرضه مداوم: دولت برای مهار قیمت مرغ و

تخم مرغ با کمک اتحادیه تولیدکنندگان مرغ و تخم مرغ اقدام نمود و با دادن تضمین به آنها که حمایت‌های دولت صرفاً از این کانال به مرغداران می‌رسد، توانست به نتایج خوبی دست یابد. کشاورزی قراردادی که وزارت جهاد کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین برنامه‌های خود آن را دنبال می‌کند، یکی از گام‌های مهم دولت در استفاده از ظرفیت اتحادیه‌ها، اصناف و کمیته‌ها برای مهار قیمت‌ها و کنترل بازار کالاهای اساسی است که در سال کشتی آینده، به صورت وسیع اجرا خواهد شد.

#### چرا به رغم تلاش‌های صورت گرفته همچنان شاهد افزایش قیمت‌ها با شیب تند

هستیم؟

در این زمینه می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

#### ۱- کندی دولت در روند انتصابات و برنامه‌ریزی: این امر باعث شده است که بسیاری از

مناصب مهم و تأثیرگذار توسط افراد بی‌انگیزه اداره شود و به نوعی روزمرگی در آنها مشاهده شود. این موضوع در وزارت‌خانه‌های اقتصادی به ویژه وزارت‌خانه‌های صمت و اقتصاد بیشتر مشاهده می‌شود. نتیجه آنکه عملاً اجرای بسیاری از برنامه‌ها به کندی صورت می‌گیرد و این موضوع موجب عدم تغییر وضع موجود در آن حوزه‌ها شده است.

#### ۲- ضعف در کنترل نظام پولی و مالی: یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در کنترل قیمت‌ها، مدیریت

و کنترل نظام پولی و مالی است. در چهار دهه گذشته ضعف دولت در این حوزه بسیار زیاد بوده است و یکی از علل مهم تورم بالا در کشور به عملکرد این حوزه برمی‌گردد. بانک‌ها با هدایت جریان نقدینگی به سمت بازارهای غیرمولد و بنگاهداری نقشی مهم در استمرار تورم طی سالیان گذشته داشته‌اند. در دولت سیزدهم نیز از ابزارهای کنترل پولی و مالی برای مهار تورم استفاده قابل ملاحظه‌ای نشده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت همچنان نظام بانکی تورم‌زاست!

#### ۳- درک متفاوت از مهار تورم در محافل علمی و عمومی: بارها گفته شده است که مهار تورم

به معنی ارزانی و یا حتی حفظ قیمت‌ها نیست، بلکه فقط سرعت افزایش قیمت‌ها ثابت می‌شود. البته فاصله بین انتظارات مردم و توانمندی‌های دولت زیاد است و لذا اقدامات مثبت دولت وظیفه دولت

و اقدامات روی زمین مانده، نقطه ضعف و عامل نارضایتی است. کسانی که نسبت به گرانی‌ها اعتراض می‌کنند هرگز از ثبات قیمت برخی از کالاهای اساسی مانند مرغ و تخم‌مرغ حرفی نمی‌زنند. بنابراین، یکی از کارهای مهمی که باید انجام شود، منطقی کردن انتظارات است.

#### **۴- تأثیر گسترده سیاست خارجی بر روندهای اقتصادی داخل کشور: مهمترین تأثیر**

سیاست خارجی بر اقتصاد در موضوع برجام مشاهده می‌شود. به رغم تلاش‌های دولت در قطع ارتباط موضوع برجام با معیشت و اقتصاد داخلی، اما همچنان مشاهده می‌شود که بازار نسبت به سیاست خارجی واکنش نشان می‌دهد. پیشرفت مذاکرات باعث ایجاد آرامش در بازار و توقف مذاکرات باعث ایجاد التهاب در بازار می‌شود.

#### **۵- نقش گسترده قاچاق کالا در اقتصاد ایران: یکی از ابزارهای کنترل بازار و قیمت‌ها، استفاده از**

سامانه‌های الکترونیکی و کنترل با استفاده از ابزارهای جدید است. در حال حاضر بخش قابل توجهی از کالاهای موجود در بازار از مبادی غیر قانونی و خارج از کنترل دولت وارد بازار شده‌اند و لذا دولت کنترلی بر روند قیمت آنها ندارد. یکی از الزامات کنترل قیمت و بازار، مهار قاچاق است. به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که باعث کاهش تأثیر اقدامات اصلاحی دولت شده است، وجود قاچاق کالا به صورت گسترده در جامعه به ویژه مرزهاست.

#### **۶- حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی: عامل دیگری که در گرانی‌های هفته‌های اخیر تأثیر بیشتری دارد،**

بحث حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی است که از این ناحیه نیز شوک روانی و هم شوک واقعی بر وضعیت اقتصادی وارد شد.

#### **۷- افزایش قیمت برخی اقلام در تراز جهانی: به دلیل جنگ روسیه و اوکراین و نقش این دو**

کشور در تأمین غلات جهان. بنابراین، اگرچه در اثر جنگ روسیه و اوکراین، قیمت نفت بالا رفته، اما در نقطه مقابل، قیمت برخی کالاهای وارداتی افزایش یافته است.

#### **۸- بخشی از افزایش قیمت‌ها به دلیل تورم انتظاری است؛ یعنی برخی صنف‌ها و حوزه‌ها انتظار**

دارند که با افزایش قیمت برخی کالاها، آنها نیز نرخ کالاهای خود را افزایش دهند.

#### **۹- اساساً دولت در شرایطی اداره اقتصاد را به دست گرفت که وضعیت متغیرهای کلان اقتصاد**

کشور، نامطلوب بود؛ تورم بالای ۴۰ درصد بود، میزان نقدینگی بالای ۴۰۰۰ هزار میلیارد تومان بود،

کسری بودجه حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی وجود داشت، فروش نفت زیر یک میلیون بشکه در روز بود، دولت گذشته بدهی‌هایی داشت و... با این حال، در حدود نه ماه گذشته، از میزان سرعت رشد نقدینگی کاسته شده (اکنون رقم آن حدود ۵۰۰۰۰ هزار میلیارد تومان است)، تورم تا حدودی کنترل شده (اکنون زیر ۴۰ درصد است)، کسری بودجه تا حدودی نسبت به قبل کمتر شده، فروش نفت افزایش یافته و... بنابراین، دولت در تلاش است تا متغیرهای کلان تأثیرگذار بر اقتصاد کشور را کنترل کند. در این زمینه باید گفت که آهنگ حرکت دولت در این رابطه تا حدودی مناسب است، اما کنترل کامل این متغیرها و نمایان شدن اثرات آنها نیاز به زمان بیشتری دارد.

### **نتیجه‌گیری**

اقدامات اصلاحی دولت در کنترل قیمت‌ها منطبق با تجارب و دستاوردهای علمی در حوزه اقتصاد است. دولت همت و تلاش اصلی خود را در جایگزینی نظارت از شکل سنتی به مدرن و سامانه‌ای کردن آنها به کار گرفته و در برخی از حوزه‌ها موفقیت‌های چشمگیری را به دست آورده است؛ ولیکن ضعف در نظام پولی و مالی، بانکداری، اطلاعات و آمار جامع، مبارز با قاچاق کالا و از این دست موارد باعث شده است عملکرد دولت در کنترل بازار تحت الشعاع قرار بگیرد. از آنجا که بسیاری از اقدامات دولت در آینده میان مدت به نتیجه می‌رسد دعوت مردم به آرامش در این مقطع زمانی بسیار کمک کننده است. اقدام مهمی که باید در این زمینه انجام بگیرد، تبیین وضع موجود و منطقی کردن انتظارات از دولت و ایجاد امید و روحیه در مردم از طریق بیان تغییر روندهای اقتصادی نسبت به دولت گذشته است.